

آینه‌های روبه‌رو

به بهانه نمایشگاه بازی‌های ذهنی کامبیز درم‌بخش

فرار از تنگنای کاغذ



هادی حیدری

■ آرام در گوشم می‌گوید که کارتون‌بست، بر اثر استمرار است که ماندگار می‌شود. کامبیز درم‌بخش در حالی این کلمات را می‌گوید که خود نمونه واقعی همین گفته‌هاست. بسیار بودند کارتون‌بست‌هایی که ما در این عرصه گذشت‌اند؛ اما بسیار نیستند آنها که ماندند و راه را به پایان بررند. درباره کامبیز درم‌بخش و آثارش، بسیار نوشته‌ام و بسیار نوشته‌اند، اما آنچه هر بار انگیزه قلم زدن درساره او را تازه نگه می‌دارد، در همین کلی‌دوازه خلاصه می‌شود: «هنرمار».

فضای گالری «آریا» این روزها میزبان نمایشگاه تازه اوست: «بازی‌های ذهنی ۲».



پیداست، درم‌بخش ذهن خود را در فضایی متفاوت به بازی‌گوشی واداشته و همزمان ذهن مخاطب را نیز دعوت به بازی می‌کند. آن طور که در یادداشتی به مناسبت اولین نمایشگاه بازی‌های ذهنی او نوشته بودم، کامبیز درم‌بخش، فضای تک‌بعدی کاغذ را برای بیان دیدگاه‌ها و دغدغه‌های تصویری‌اش، کوچک می‌بیند. همین احساس، او را به سوی تجربه‌های تازه‌تری کشانده است. نمونه همین حس رهایی از چارچوب‌ها را در اثری از او می‌توان دید که یکی از شخصیت‌های آثارش وقتی بدست اید شیشه قاب را با تکه‌های چوب، به طور کامل پوشانده‌اند، از گوشه قاب به بیرون سرک کشیده است. در آثار به نمایش درآمده، تنوع مفاهیم انسانی قابل توجه است؛ هرچند بخش زیادی از آثار درم‌بخش به ویژه در سال‌های اخیر، بازی با فرم‌هاست.

فاصله فکری میان نسل‌ها در اثری دیگر خودنمایی



می‌کند. پدری، دست فرزندش را گرفته است. هر دو در اندیشه‌اند در حالی که در حباب فکر پدر، سیم‌های به هم پیچیده و سر‌در‌گم، گره خورده‌اند، در حباب فکر پسر، سیم‌های در هم پیچیده‌ای است که تفاوت عمده‌اش با پدر، کاتکشن‌های مختلفی است که او را به دنیاهای تازه متصل می‌کند.

درم‌بخش، اثر مشهور داونچی (لیخند مونالیزا) را نیز به هجو درآورده است؛ در تابلوی مونالیزا معروف با گیره‌هایی که به دو سوی دهانش زده‌اند، خنده‌ای بی‌انتهارا به تصویر کشیده که ترکیب صورتش را درهم ریخته است. خلاقیّت هنرمند در بازی با فرم در جایی رخ می‌نماید که چارلی چابلین را روی کاغذ در حالی‌به تصویر کشیده که پشت به مخاطب خیره به نقطه‌ای نامعلوم است. این تصویر به ظاهر معمولی، وقتی لذتی عمیق را در بیننده ایجاد می‌کند که می‌بیند قابی که تصویر را در خود جاده‌ی نیز پشت و رو بر دیوار نصب شده است. از دیگر کارهایی که در آن، درم‌بخش، فضای بیرون از کاغذ را به داخل اثر کشانده و آن را از حالت تک‌بعدی خارج کرده، می‌توان به اثری اشاره کرد که مهاجری بی‌نوا یا کوله‌باری اندک تخته گوشه قاب را به کمک طلبیده و آن را به باقیی تبدیل کرده



تا به کمکش از آب عبور کند. اینها و بسیاری دیگر از آثار حاضر در تازه‌ترین نمایشگاه کامبیز درم‌بخش که تا ۱۲ آبان در گالری آریا پریاست، درچه تازه‌ای است برای کارتون‌بست‌هایی که چارچوب کاغذ برایشان تنگ است.



روبرتو توسکانو

سفیر پیشین ایتالیا در تهران

وقتی صحبت در مورد ایران است آمریکایی‌ها با وسواس و اروپایی‌ها با تردید و بدگمانی به این کشور نگاه می‌کنند. اما جامعه معاصر ایران واقعا چگونه است؟ برای پاسخ به این پرسش و برای شناخت درست جامعه ایرانی باید به سخنان هنرمندان ایرانی گوش فرادهیم. می‌توانیم از کارگردانان بزرگی مانند کیارستمی، پناهی، مجیدی و اخیرا فرهادی که فیلم «جدایی نادر از سیمین» او برنده خرس نقره‌ای جشنواره برلین شد کمک بگیریم. آنها می‌توانند دیدگاهی عمیق، چندگانه، متناقض و جذاب از جامعه ایران را به کمک فیلم‌هایشان که در ظاهر داستان‌هایی از زندگی‌های شخصی است، نشان دهند. متناقضانه درباره ادبیات ایران اطلاعات کمتری داریم. می‌توان گفت نویسندگان ایرانی قادرند شناخت و لذت ما از ادبیات را گسترش دهند.



شایعه پراکنی‌ها و اختلافات مالی، سفر ریچارد کلایدرمن پیانیست پرآوازه فرانسوی را به ایران در هالهای او ابهام فرو برد. بعد از آنکه نشست خبری نماینده کلایدرمن در هتل «سپیناس» تهران از سوی اداره اماکن ناجا لغو شد، شایع شد این خواننده چند سال پیش در سرزمین‌های اشغالی کنسرتی گذاشته و حتی اهنگی را هم برای اسرائیلی‌ها نواخته است. این شایعه فضایی منفی – مشابه آنچه بر کریس دی‌برگ خواننده ایرلندی گذشت – در مورد کلایدرمن به وجود آورد و البته واکنش سریع کلایدرمن را به همراه داشت تا جایی که این نوازنده تک‌بیهی‌ای آماده کرد و به شایعه‌سازان پاسخ داد. این تک‌بیهی دو صفحه‌ای قرار است در روزهای آتی از سوی نماینده این نوازنده در تهران منتشر شود. همه اینها باعث شد کنسرت کلایدرمن که قرار بود در روزهای میانی آبان‌ماه در سالن وزارت کشور برگزار شود، لاقل سه ماه به تعویق افتد، چراکه با پایان ماه ذی‌الحجه، در دو ماه محرم و صفر کنسرتی در ایران برگزار نمی‌شود. نکته عجیب در این میان، برخورد مسوولان هنری وزارت ارشاد نسبت به مساله حضور کلایدرمن در ایران است. روز گذشته علی ترابی (معاون دفتر موسیقی) در گفت‌وگو با خبرنگار «شرق» در مورد ارسال تک‌بیهی کلایدرمن از طریق نماینده‌اش به دفتر موسیقی گفت: «ما تالین لحظه تک‌بیهی‌ای از طرف نماینده کلایدرمن دریافت نکرده‌ایم و در این خصوص چیزی به دست ما نرسیده است. مهم‌تر از آن، اینکه اصلا کسی را با عنوان «نماینده کلایدرمن در ایران نمی‌شناسیم» به رغم تکذیب در یافت این تک‌بیهی از سوی معاون دفتر موسیقی، صحبت‌های مدیرعامل موسسه دولتی توسعه هنرهای معاصر (در یافت‌کننده مجوز کنسرت

ادب‌و‌هنر

یادداشت

درباره «استخوان خوک و دست‌های جذامی» اثر مصطفی مستور

تعریفی پر قدرت از جامعه معاصر ایران

به همین دلیل به اعتقاد من باید ترجمه ایتالیایی رمان «استخوان خوک و دست‌های جذامی» اثر مصطفی مستور، رمان‌نویس و داستان کوتا‌نویس معاصر ایرانی را رخدادی مهم تلقی کرد و از آن استقبال کنیم و تلاش بیشتری برای ترجمه و انتشار نوشته‌های معاصر ایرانی انجام دهیم. این کتاب را ناش‌ری تازه‌کار به نام پونته ۳۳ با ترجمه نیلوفر اربابی منتشر کرده که باید آن را کشفی حقیقی به حساب آورد؛ کشفی که شایسته توجه و تفسیر گسترده‌تری است. خواننده بی‌درنگ مجذوب ریتم عالی و شگفت‌انگیز داستان می‌شود. داستانی به‌ظاهر گسسته اما برعکس کاملا منسجم و یکدست. این رمان که تقریبا



مسوولان وزارت ارشاد: نماینده کلایدرمن را نمی‌شناسیم

ابهام در برپایی کنسرت کلایدرمن در تهران

پرویز براتی



کلایدرمن) به حواشی پیرامون این مساله دامن زد. مهدی افضلی با اعلام اینکه موسسه تحت مدیریتش یک موسسه خصوصی است و تنها مجوز کنسرت کلایدرمن را از دفتر موسیقی اخذ کرده، در مورد تکلیف برپایی این کنسرت به «شرق» گفت: «در حال حاضر تصمیم به برپایی این کنسرت نداریم. دلیل اصلی آن هم این است که ما در سرمایه‌گذاری

که رادیو روشن است و برنامه‌ای مذهبی پخش می‌کند مرتکب قتل و وحشتناک می‌شوند. تعبیر استخوان خوک و دست‌های جذامی تعریفی از طبیعت پست وجود انسان است که از سوی یکی از امامان شیعه بیان شده است. پول و فساد به اندازه جوامع غربی در این کلاش‌شهر پرهیاهو با هوایی بی‌نهایت آلوده وجود دارد؛ همان‌گونه که همه کسانی که آنجا زندگی کرده‌اند می‌توانند به همه این نضادها و پیچیدگی‌ها شهادت دهند. با این حال پایان داستان ناامیدکننده نیست؛ بلکه نوعی نگاه شفقت‌آمیز است به ضعف‌های انسانی. همزمان که از خواندن این اثر بی‌نظیر لذت می‌بریم می‌توانیم اطلاعاتی نیز از جامعه ایران به دست آوریم. اطلاعاتی که برای انتخاب سیاست درست نسبت به این کشور ضروری است. نویسندگان و به طور کلی هنرمندان می‌توانند این واقعیت را بیش از سیاستمداران، دیپلمات‌ها و روزنامه‌نگاران به ما نشان دهند. اجازه دهید به آنها گوش دهیم. بیاپید به آنچه مصطفی مستور درباره ایران می‌گوید توجه کنیم.



مورد شخص کلایدرمن است یا نه، افزود: «کنسرت کلایدرمن برای ما هزینه‌های زیادی دارد. با اینکه خودمان می‌دانیم که او هیچ‌گونه وابستگی به رژیم صهیونیستی ندارد اما بر سر رفع این موضوع باید هزینه کنیم. ما مجوز این کنسرت را داریم اما انگیزه نداریم.» مدیرعامل موسسه هنرهای معاصر که برخلاف صحبت‌هایش دل بر خصوصی بودن این موسسه، حقوق اعضای ارکستر ملی، ارکستر سمفونیک و هزینه‌های جشنواره هنری مقاومت را از بودجه دولتی پرداخت می‌کند، با وجود هزینه بر خواندن برپایی کنسرت کلایدرمن تاکید کرد: «برپایی این کنسرت از لحاظ سیاسی و هنری حرکت خوبی‌بود.» صرف‌نظر از تناقض‌های مسوولان به نظر می‌رسد در صورت عدم درایت به موقع، سرنوشت کنسرت کلایدرمن به سرنوشت کنسرت کریس دی‌برگ دچار خواهد شد. دوستداران موسیقی که خاطره حضور خواننده مشهور ایرلندی را در تهران در خردادماه سال ۸۷ در خاطر دارند، هر چند هیچ‌گاه موفق به تماشای کنسرت زنده این خواننده نشدند، با این حال دلخوش بودند که ریچارد کلایدرمن به زودی به تهران سفر کند. کلایدرمن چندی پیش در گفت‌وگو با «شرق» از اشتیاقی خود برای اجرای زنده در تهران گفته بود و اینکه ملت ایران، صاحب فرهنگ و تمدنی بزرگ است. مستوفان و کارشناسان، همان زمان پیش‌بینی کردند حضور کلایدرمن در ایران با استقبال بالایی مشتاقان روبه‌رو خواهد شد، با این حال انتشار شایعات و اختلافات به وجود آمده، این حضور را قدری مهمم کرده است. کلایدرمن تاکنون بیش از ۱۲۰۰ ملودی ضبط کرده و با فروش بیش از ۸۰ میلیون نسخه دارای ۲۷۰ صفحه طلایی و ۷۰۰ صفحه پلاتینیوم است.



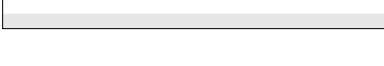
اسکرین دیلانی: کاترین دونو در جنوب یونان مقابل دوربین «پانیس اسمارگدیس» در فیلمی به نام «خدا عاشق خاویار است»

اسکرین دیلانی: کاترین دونو در جنوب یونان مقابل دوربین «پانیس اسمارگدیس» در فیلمی به نام «خدا عاشق خاویار است» رفت. سباستین کوچ برنده جایزه اسکار نیز با دونو هم‌بازی است. این فیلم روایتگر داستان واقعی زندگی «یونیس و ارواکس»، دزد دریایی یونانی است.

اشرف افشاری را تقدیر از صداوسیما و وزارت ارشاد سر صحنه آخرین فیلم ابراهیم شیبانی لحظاتی از صدای این فیلم را ضبط کرد. به گفته هم‌سر این هنرمند او پس از حدود چهار سال پشت دستگاه صدا قرار گرفت و در چند پلان کار صابرداری را انجام داد: «شاهوردی حتی با اشاره به بوم‌من کار، از او می‌خواست میکروفن را بالاتر بگیرد که این حضور در روحیه‌اش تاثیر خیلی مثبتی داشت.» او با بیان اینکه روحیه شاهوردی بسیار بهتر از گذشته شده است، گفت: «دوستان بیشتر از گذشته به او سر می‌زنند و این برایش بسیار خوب است. امروز هم قرار است تعدادی دیگر از دوستانش از جمله ابوالحسن داوودی به دیدار او بیایند. همین که فراموش هنری‌اش دارد.



با وجود انتظار اهالی سینما، گینس، کتاب رکوردهای جهانی، «ساموئل ال جکسون» را با هفت‌هیلیارد و ۴۳۰ میلیون دلار درآمد حاصل از نام او در گیشه، پولدارترین و درآمذاترین بازیگر هالیوودی نامید. این بازیگر ۶۲ ساله طی چهار دهه فعالیت در عرصه سینما در پروژه‌های عظیمی چون «پارک ژوراسیک» و «جنگ ستارگان» ایفای نقش کرده است. جکسون امسال نیز در دو فیلم پرفروش «فور» و «کاپیتان آمریکایی» ایفای نقش کرده است.



اشرف افشاری: کاترین دونو در جنوب یونان مقابل دوربین «پانیس اسمارگدیس» در فیلمی به نام «خدا عاشق خاویار است»

کلبه کوچک‌من

به تقویم شمسی (۸۰)

اردشیر خرمکوب

■ جوان کلبه ما کلافه است. و پدرش را به‌خاطر کوتاهی‌هایش به‌شدت زیر سوال می‌برد. که چرا باید او – جوان – چوب دندانه‌کاری‌های پدرش را بخورد. پدری که می‌توانست با همان سرمایه اندک‌ش، او و برادرانش را صاحب موقعیت بهتری کند و نکرد. جوان از بد بخت بد خود شاکای و گله‌مند است. خود را با دوستانی که اکنون بیرون کلبه‌اند و به پول و سرمایه کلائی رسیده‌اند مقایسه می‌کند و آتش درونش شعله‌ور تر می‌شود. این جوان، پر از حرف و خاطره از دوستان هم‌طیف خود است. حسرت خوشگذرانی‌های اندک خود را دارد. هم به خدا معتقد است و هم نیست. به قول خودش از نظر اعتقادی معلق است. در مجموع، او را جوان زحمتکشی می‌بینم که برای دستیابی به آرزوهایش تلاش بسیاری کرده و در همین راه، با شکست‌های بی‌دریی روبه‌رو شده است. اگر تا دوبروز از موضع یک پادو به قله مالی مرد زمین‌دوست نگاه می‌کرد، حالا با کمی تردید، شاید فردای خود را در وضعیت به‌هم پیچیده او می‌بیند. دوگانگی تلخی را در صحبت‌های او با زمین‌دوست حس می‌کنم. یک‌جا با دلی پر از زمین‌دوست و عشق و حال او حمایت می‌کند و در جای دیگر تلویحا از بلندپروازی‌های او انتقاد می‌کند. حتی یک‌بار به او گفت: چرا زود نزدی به چاک؟ که زمین‌دوست مثل کارشناسان خبره پاسخ‌ش داد: وقتی وارد اقیانوس شدی، بیرون آمدنت با خودت نیست. دوست‌داری تا ته اقیانوس جلو بروی. زمین‌دوست که انجیل به دست، به نقطه‌ای خیره مانده، از من کاغذ و قلم می‌گیرد تا او هم چیزی بنویسد. دو برگ از دفتر دوست برگ‌یام را به او می‌دهم. امروز نودمین روز حضور من در کلبه است. هشتادوسه روز تنها در کلبه‌ای خیلی کوچک بودم و هفت روز در این کلبه با دوستان و هم‌نشینان. بعد از نود روز که از خانواده‌ام بی‌خبرم و خودم معتمدانه نخواست‌ام با آنان تماس تلفنی داشته باشم، امروز سبک سنگین می‌کنم که تماس بگیرم یا نه. به تقویم ایران، ساعات نه همین امشب، از سال کهنه‌گنر می‌کنیم و پای به سال جدید می‌گذاریم. نمی‌دانم چرا، اما کمی درباره نوروز برای هم‌کلبه‌ای‌های خود صحبت می‌کنم. هیچ‌کدام از نوروز، چیزی نشنیده‌اند. صحبت درباره نوروز و سال جدید، حال و هوای کلبه کوچک ما را تا حدودی عوض می‌کند. در نگاه هر دوی آنان، نوعی دلسوزی برای خودم احساس می‌کنم. که مثلا این آدم امروز باید در کنار خانواده خود می‌بود اما اینجا‌جست، زمین‌دوست هم‌چنان می‌نویسد و جوان در محوطه کوچک کلبه قدم می‌زند و از خصوصیات فردی باراک حسین اوباما می‌گوید. او را به‌شدت قبول دارد. و من از این تغییر بزرگ در فکر مردمی که هیچ سیاه‌پوستی را تحمل نمی‌کرده‌اند، خوشحالم. معتقدم کارهایی هستند که تا بداند ناتمام می‌مانند و تلاش ما برای پایان بخشیدن به آنها به جایی نمی‌رسد. و کارهایی هستند که فاصله پایشان با شرویشان صفر است. چگونه؟ خواهیم گفت. ادامه دارد

خبر آخر

مجموعه «یک اسم و چند قصه» منتشر می‌شود
۱۰ نویسنده، ۱۰ داستان
یک موضوع

■ شرق: مجموعه ۱۵ کتابی «یک اسم و چند قصه» که در آن گروهی از برجسته‌ترین نویسندگان کودک و خردسال کشورمان به طور ابتکاری قصه‌هایی با محور خلاقیت و بداهه‌نویسی تالیف کرده‌اند، توسط انتشارات چکه و شهر قلم منتشر می‌شود. قصه‌هایی از شکوه قاسمی، حمدرضا شمس، ناصر کشاورز، لاله جعفری، مهری ماهوتی، فروزنده خداجو، مجید راستی، طاهره خردور، علیرضا متولی، سوسن طاقدیس، سپیده خلیلی و ناصر نادری در هر کتاب از این مجموعه منتشر می‌شود و دبیری آن را شکوه قاسمی‌نم، نویسنده و شاعر کودک عهده‌دار بوده است. هر جلد، یک عنوان اصلی دارد و شامل ۱۰ قصه کوتاه از نویسندگان برجسته کودکان و خردسالان است. نویسندگان در قصه‌ها تلاش کرده‌اند بدون مقدمه‌چینی سراغ اصل ماجرا بروند و تنها بر یک مساله متمرکز شوند که متناسب حوصله و توان فکری خردسال باشد. این قصه‌ها با راسام علائق و نیازهای خردسالان نوشته شده‌اند و استقبال کودکانی که این قصه‌ها را شنیده‌اند نشان می‌دهد فضای تخیلی و طنز ظریف آنها موردپسند مخاطب است. در هر کتاب این مجموعه، شاهد یک قصه از هر کدام از این نویسندگان باسابقه هستیم که درباره یک موضوع اصلی که عنوان آن جلد هم برگرفته از آن است، نوشته شده‌اند. نویسندگان سعی کرده‌اند از موضوعات پیرامون کودک که با آنها سروکار دارد مثل چتر، بزاله، اتوبوس، کلاه، سنگ، ستاره، گاو، چکه، درخت و قابلمه استفاده کنند تا برای بچه‌ها قابل درک و ملموس باشد.

تصحیح و پوزش

■ در مطلبی که «با عنوان کنلث وارد می‌شود» نوشته آقای «الله امرایی» منتشر شده بود نام کتاب جدید هاروکی موراکامی IQ84 با بدلیل اشتباه فنی 8Q84 چاپ شده است. در ضمن تیتیر مطلب از سوی روزنامه انتخاب شده است. به این وسیله از آقای امرایی عذرخواهی می‌کنیم.